

بررسی رابطه ساخت ارزشی خانواده با حرمت خود دانش آموزان

نویسندگان: دکتر مسعود جان‌بزرگی^۱، ناهید نوری^۲ و خیرالنساء مستخدمین حسینی^۲

۱. استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی

چکیده

نظام ارزشی و حرمت خود، دو مؤلفه اساسی سلامت روانی و اجتماعی به حساب می‌آیند. ترجیحات ارزشی گاهی تعیین‌کننده مسیر زندگی هستند و با اثرگذاری بر سبک تربیت، رفتار و شخصیت فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این پژوهش، فرض بر این است که نوع ترجیح حرمت خود فرزندان را به عنوان یک مؤلفه مهم سلامت روانی تحت تأثیر قرار می‌دهد و این تأثیر در مناطق مختلف متفاوت است. حرمت خود از مؤلفه‌های بنیادی سلامت روانی است. این مطالعه در پی بررسی رابطه بین ساخت ارزشی خانواده و حرمت خود دانش‌آموزان پایه دوم و سوم مدارس متوسطه شهر تهران بوده است.

بدین منظور ۲۱۲ نفر آزمودنی پس از نمونه‌گیری خوشه‌ای به طور تصادفی از بین دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره متوسطه در رشته ریاضی فیزیک از پنج منطقه جغرافیایی شامل شمال، غرب، مرکز، شرق و جنوب تهران به همراه ۲۱۲ نفر از والدین آنها انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. برای بررسی حرمت خود دانش‌آموزان از پرسشنامه «حرمت خود کوپراسمیت» و برای بررسی ترجیحات ارزشی از آزمون «آلپورت - ورنون - لیندزی» استفاده شده است. داده‌ها علاوه بر توصیف با روش‌های استنباطی (همبستگی، آنوا و تحلیل رگرسیون) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داده که بین برخی از رحجان‌های ارزشی خانواده‌ها و حرمت خود دانش‌آموزان با درجه اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار وجود دارد. البته نوع این ترجیحات بر حسب مناطق تغییر می‌کند. هر چند جهت‌گیری ارزشی اجتماعی رابطه معنادار معکوس با حرمت خود فرزندان دارد، ولی برخی رحجان‌های ارزشی تأثیر مستقیم از جانب مادر بر حرمت خود فرزندان دارد. به طور کلی به نظر می‌رسد تأثیر رحجان‌های ارزشی متفاوت بر حسب جنسیت، نوع والدین (پدر یا مادر) و منطقه جغرافیایی متفاوت است.

واژه‌های کلیدی: نظام ارزشی، حرمت خود، ساخت ارزشی خانواده، دانش‌آموز

دو ماهنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال سیزدهم - دوره جدید

شماره ۱۹

آبان ۱۳۸۵

مقدمه

ارزش‌ها که از مؤلفه‌های ساختاری فرهنگ در سطح جامعه، و شخصیت در سطح فرد به حساب می‌آیند اموری مطلوب بوده، که انگیزش رفتار را تا حد زیاد بر عهده دارند.

اسپرانگر در سال ۱۹۲۴ شش الگوی مبتنی بر هدف در انسان را متمایز می‌کند که با شش حوزه فرهنگ، یعنی نظری - علمی (theoretical)، زیباشناختی یا هنری (aesthetical)، اقتصادی (economic)، مذهب (religion) جامعه‌پذیری (socializing) و قدرت سیاسی (political) مرتبط هستند. هیچ انسانی کاملاً به یک ارزش واحد یا هدف واحد تعلق ندارد. این شش ریخت (type) آرمانی، بیانگر شش فلسفه زندگی هستند. به نظر اسپرانگر هر کس یکی از شش فلسفه را دنبال می‌کند و می‌توان به طور تقریبی او را در یکی از این شش ریخت طبقه‌بندی کرد [۱].

ریخت نظری دربرگیرنده فردی خردمند است که با مسائل خود منطقی برخورد می‌کند و همواره در پی یافتن حقیقت است. او در پی کشف همانندی‌ها به جای زیبایی یا فایده علمی اشیا است. هدف اصلی او در زندگی، نظم و قاعده بخشیدن به شناخت و معرفت است.

ریخت مربوط به زیبایی شناختی (aesthetic type)، تحت تأثیر زیبایی و هماهنگی جهان است. آن‌ها بیشتر متوجه تفاوت، سادگی و جذابیت اشیا و موقعیت‌ها و در پی تنوع تجارب و لذت بردن از آن‌ها هستند. برای آن‌ها حقیقت مترادف با زیبایی است و به انسان‌ها و فردیت بیشتر از رفاه و خوشبختی آن‌ها اهمیت می‌دهند.

ریخت اجتماعی دربرگیرنده صفات دوستی، توافق، توجه به دیگران و بخشندگی است. ارزش‌های اصلی کسی که ریخت اجتماعی دارد، حسن اخلاق و همدردی است.

ریخت سیاسی، نیازمند کنترل دیگران است، او رقابت جو و در تلاش برای نفوذ در دیگران است. هدف

اصلی او غالب شدن بر افراد، موقعیت‌ها و اشیا است.

ریخت اقتصادی، بیش‌تر متوجه جنبه‌های عملی زندگی است. هدف اصلی او، صیانت ذات امنیت اقتصادی است. او هر چیزی را از چشم‌انداز قابلیت کاربرد و سودمندی مورد قضاوت قرار می‌دهد.

ریخت مذهبی، عارفی است که در جستجوی وحدت بین انسان و جهان است. توجه اصلی و هماهنگی و حقیقت درونی است و در هر رویداد در پی عناصر الهی است و می‌کوشد با اجتناب از مظاهر مادی، زندگی خود را با واقعیت متعالی پیوند دهد.

آلپورت، ورنون و لیندزی در ۱۹۶۰ متأثر از نظریه اسپرانگر به بررسی این ریخت‌ها پرداخته، برای این کار آزمونی را طراحی کردند. هدف این آزمون، سنجش تسلط نسبی یکی از این ارزش‌ها یا انگیزش اساسی در شخصیت فرد است [۲].

تصمیم‌های کوتاه‌مدت و درازمدت فرد، هشیارانه یا ناهشیارانه تحت تأثیر نظام ارزشی وی قرار می‌گیرند. شکل‌گیری یا پذیرش بازخوردهای همسو و هماهنگ با نظام ارزشی از طریق «خودپنداشت» (self-concept) به عنوان یک کنش «بیانگر ارزش» (value expressive) عمل می‌کند. این کنش به ویژه برای افرادی که از «خودمهارگری» (self-control) کم‌تر برخوردارند، اهمیت می‌یابد، چرا که این افراد به بیان بازخوردهای هماهنگ با ارزش‌های درونی خود مبادرت کرده، کم‌تر توسط موقعیت‌های اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، پذیرفتن و آشکارسازی بازخوردهای مقبول اجتماعی، نوعی کنش «سازش‌یافته اجتماعی» است که برای افرادی که خودمهارگری بالایی دارند از اهمیت برخوردار است [۳]. بنابراین اگر ارزش‌ها (values) بازخوردها (attitudes) را به شکل اساسی تنظیم می‌کنند تأثیر عمیقی بر حرمت خود (self-esteem) می‌گذارند. حرمت خود، نوعی حریم شخصی را آشکار می‌سازد که

فرد بر اساس آن برای خود احترام قائل است. ارزش‌ها، اساس و بنیان یکپارچگی شخصیت سالمند و سازمان‌دهنده اصلی رفتارهای رشدیافته به حساب می‌آیند [۵ و ۴]. خودارزشمندی که هسته اصلی حرمت خود است متأثر از ارزش‌هایی است که تربیت فرد در چارچوب آن‌ها شکل می‌گیرد؛ فرضیه‌ای که پژوهش حاضر در پی بررسی تجربی آن است.

حرمت خود و مقوله خودارزشمندی از اساسی‌ترین عوامل در رشد مطلوب شخصیت افراد به حساب می‌آیند. قدرت تصمیم‌گیری، ابتکار، خلاقیت و سلامت فکری و روانی به طور مستقیم متأثر از این مقوله بنیادی است. کوپر اسمیت در ۱۹۶۷ ضمن اشاره به این مطلب، اصطلاح حرمت خود را چنین تعریف می‌کند: «قضاوت شخصی درباره ارزشمندی (worthiness) خود که فرد در چارچوب بازخوردهایی که نسبت به خویش دارد، آن را تنظیم می‌کند». او اظهار می‌دارد پذیرش والدین از عوامل مهم ایجاد حرمت خود بالا در کودک به حساب می‌آید. او والدین پسرانی را که حرمت خود بالا دارند افرادی پذیرا، مهربان، متوجه به علایق کودک، جدی ولی نه تحمیل‌کننده اصول، اهل بحث و گفتگو، و علاقه‌مند به روابط احترام‌آمیز توصیف کرد [۶]. حرمت خود را همچنین درجه ارزشمندی که فرد برای «خود» (self) قائل است یا میزانی که فرد خود را دوست می‌دارد، تعریف کرده‌اند [۷]. برخی نیز آن را نوعی بازخورد می‌دانند که فرد نسبت به «پذیرش خود» (self-acceptance)، «تأیید خود» و «احترام به خود» (self-respect) اتخاذ می‌کند [۸].

کسانی که می‌توانند حرمت خود مثبتی را در گستره شخصیت خویش پیروارند با دادن وزن عاطفی بیشتر به زمینه‌های مختلف زندگی، موفقیت بیشتری برای خود تدارک می‌بینند [۷]. حرمت خود بالا، رفتارها و افکار را به نحوی سازماندهی می‌کند که هیجانانگیزانه فرد مثبت می‌شود. کسانی که حرمت خود بالایی دارند وقتی به طور تجربی و واقعی تحت فشار «حال بد» (bad mood)

قرار می‌گیرند، گرایش به حل مسأله دارند و با تفکرات مثبت احساس خود را بهتر می‌کنند و برعکس، کسانی که حرمت خودپایین دارند به «حال بد» با فکرای منفی پاسخ می‌دهند [۶]. از نظر آکسلان، در ۱۹۷۴، و رایت و دیگران در ۱۹۸۶ مشکلات هیجانی و رفتاری، نشانه آسیب‌پذیری‌های اساسی در حرمت خود هستند که از پذیرش، حمایت یا محبت ناکافی از سوی والدین می‌شوند [۱۱ و ۱۰]. نقص در حرمت خود به مشکلات آشکار در زمینه انگیزش، رفتار و هیجان تبدیل می‌شود. بنابراین، در بسیاری از موارد، برای درمان مشکلات رفتاری به پرورش و تقویت حرمت خود، و مهارت‌های فردی و اجتماعی می‌پردازند [۶].

به طور کلی، حرمت خود به عنوان یک ساخت اصلی شخصیتی در متون روان‌شناختی مطرح است و ارتباط آن با خودارزشمندی، رابطه آن را با ارزش‌های خانوادگی برجسته می‌سازد. همان‌گونه که حرمت خود یک ساختار شخصیتی است، نظام ارزش‌ها نیز می‌تواند به شخصیت افراد جامعه ساخت بدهد و پایداری رفتاری را تدارک ببیند [۱۲].

همچنین یکی از مسائل اجتماعی امروز جامعه، وجود اختلاف‌های ارزشی در روابط خانوادگی است. خانواده به عنوان یکی از نهادهای اولیه، بیش‌ترین سهم را در فرایند اجتماعی شدن فرزندان به عهده دارد. با توجه به کم و کیف روابط خانوادگی و تأثیر عوامل بیرونی به نظر می‌رسد بین نظام‌های ارزشی اعضای یک خانواده اختلاف وجود دارد. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که به رغم این تفاوت‌ها هنوز همبستگی بالایی بین نظام ارزشی خانواده و بازخوردهای نوجوانان وجود دارد [۱۳]. در پژوهشی نشان داده شده که بین نگرش‌های تربیتی والدین با حرمت خود فرزندان همبستگی مثبت وجود دارد و با اطمینان ۹۵ درصد، معنادار بودن این رابطه تأیید شده است [۱۴]. برخی دیگر [۱۵] نشان داده‌اند که نظام انتقال ارزش‌ها از والدین به کودکان در دختر و پسر متفاوت است و دختران در

پذیرش ارزش‌های پدران راغب‌ترند. آن‌ها همچنین به تفاوت معنادار بین نوجوانان و بزرگسالان در سازه واژه ارزشی اشاره کرده‌اند. تفاوت جنسی در جهت‌گیری ارزشی در میان دانش‌آموزان توسط مطالعات دیگر انجام شده است. نتایج آن‌ها نشان می‌دهند که دختران بیش‌تر از پسران به ارزش‌های معنوی و پسران بیش‌تر از دختران به ارزش‌های مادی اهمیت می‌دهند. این تفاوت‌ها از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۱ تغییری نکرده است [۱۶].

پژوهش حاضر با این سؤال اساسی روبه‌رو است که آیا ساخت ارزشی خانواده یا نوع ترجیحات ارزشی آن حرمت خود دانش‌آموزان یا فرزندان آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ با وجود تردیدهایی در خصوص ارتباط بین ارزیابی‌های دیگران و ارزیابی‌های خود، هنوز این تصور وجود دارد که این گروه اولیه - برای مثال خانواده - یا سایر افراد مهم هنوز به طور چشمگیر موجب شکل‌گیری «حرمت خود» در کودک می‌شوند [۱۷ و ۱۸]. اعتقاد به این مطلب که رفتار والدین در کسب حرمت خود بالا در کودکان نقش تسهیلی دارد، متناظر بر این فرض است که این رفتارها، تقویت مکان کنترل (Lucos of control) درونی را نیز یاری می‌دهند. حجم وسیعی از مطالعات، چه آنهایی که بر ادراک‌ها استوار بوده‌اند و چه آنهایی که بر اساس رفتارهایند، وجود الگوهای کلی مشابهی را تأیید کرده‌اند. بررسی پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که از جمله رفتارهای والدین که به طور مستقیم با حرمت خود بالا و یا مکان کنترل درونی کودک مرتبط هستند عبارتند از: ۱) محبت (همچنین با عنوان مهرورزی، پاسخدهی، حمایت و پذیرش، تحسین و عدم انتقاد مورد مطالعه قرار گرفته‌اند)، ۲) تقویت (مثبت یا تنبیه بجا)، ۳) بیان تلویحی برعکس بیان مستقیم در طی تعامل، ۴) رفتارها و اظهارنظرهای انعطاف‌پذیر که به عنوان رفتارهای محرک کنجکاوی نیز مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، ۵) تشویق رفتارهای مستقل کودکان، ۶) شرکت دادن کودک در تصمیم‌های مناسب مربوط به رشد و تحول،

۷) تربیت انعطاف‌پذیر، ۸) اجتناب از شدت عمل، به ویژه تنبیه بدنی به جای استفاده از القا، ۹) داشتن توقع و انتظار بالا [۱۷ و ۱۸].

رابطه بین ارزش‌های والدین و کودکان در مطالعاتی دیگر در ایران دنبال شده است. به طور مثال در یک مطالعه با بررسی ۲۷۰ دانش‌آموز و والدین آن‌ها این نتیجه حاصل شد که بین ارزش‌های نوجوانان پسر و ارزش‌های والدین آن‌ها تفاوت معنادار وجود دارد. این تفاوت در کودکان گروه سنی ۱۱ تا ۱۲ معنادار نیست، ولی در گروه ۱۲ تا ۱۴ ساله معنادار است. این تفاوت در مناطق جغرافیایی متفاوت بود. در قسمت‌های شمال و مرکز تفاوت معناداری مشاهده نشد، در حالی که در مناطق جنوبی شهر تهران، تفاوت ارزش‌های والدین و کودکان معنادار است. به طور کلی، این مطالعه ارتباط معنادار چندانی بین ارزش‌های والدین و کودکان به دست نمی‌دهد [۱۹].

در بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده با گرایش ارزشی نوجوانان (پسران سوم دبیرستان) مشخص شد که بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده و ارزش‌های زیبایی‌شناختی و اقتصادی رابطه مستقیم وجود دارد و با ارزش‌های مذهبی رابطه معکوس دیده می‌شود. ارزش‌های سیاسی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی رابطه ندارد [۲۰]. مطالعات دیگر هم تفاوت رجحان‌های ارزشی والدین به ویژه پدران را با فرزندان (پسران) برجسته ساخته است [۲۱ و ۲۲]. مطالعه دیگری نشان می‌دهد که بین نظام ارزشی و سلامت روانی رابطه معنادار وجود دارد [۲۳]. این پژوهش ۸۰۰ نفر از جوانان شهر تهران در محدوده سنی ۱۸ تا ۳۵ را مورد بررسی قرار داده است. در این بررسی از آزمون آلپورت و آزمون GHQ استفاده شد و نتایج نشان می‌دهند که هر چه پای‌بندی به ارزش‌های مذهبی بیش‌تر باشد سلامت عمومی فرد نیز در سطح بالاتر است.

نسبت والدین آن‌ها که ۲۱۲ نفر بوده‌اند مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. ۳۹/۲ درصد (۸۳ نفر) دانش‌آموزان در پایه دوم و ۶۰/۸ درصد (۱۲۹ نفر) آن‌ها در پایه سوم هستند.

جدول ۱ توزیع گروه نمونه بر حسب مناطق جغرافیایی

مناطق	شاخص	فراوانی	درصد
یک		۴۲	۱۹/۸
پنج		۵۰	۲۳/۶
شش		۳۲	۱۵/۱
سیزده		۴۷	۲۲/۲
هجده		۴۱	۱۹/۳
جمع کل		۲۱۲	۱۰۰

جدول ۱ وضعیت گروه نمونه را بر حسب مناطق جغرافیایی مشخص می‌کند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود ۱۹/۸ درصد دانش‌آموزان در منطقه یک، ۲۳/۶ درصد در منطقه پنج، ۱۵/۱ درصد در منطقه شش، ۲۲/۲ درصد در منطقه سیزده، و ۱۹/۳ درصد در منطقه هجده هستند.

ابزار پژوهش: برای بررسی متغیرهای موردنظر از دو ابزار استفاده شده است:

الف) پرسشنامه حرمت خود کوپر اسمیت (self-esteem inventory: SEI)

ب) پرسشنامه بررسی ارزشی آلپورت، ورنون و لیندزی.

پرسشنامه حرمت خود (SEI) شامل ۵۸ ماده است که احساسات، عقاید یا واکنش‌های فرد را توصیف می‌کند و آزمودنی باید به این موارد (سؤال) با علامت‌گذاری در ستون بله و خیر پاسخ دهد.

نمرات زیر مقیاس‌ها و همچنین نمره کلی، امکان مشخص کردن زمینه‌ای را که در آن، افراد دارای تصویر مثبتی از خود هستند، فراهم می‌سازند [۶].

پژوهشی که بتواند جایگاه نظام ارزشی را در رشد حرمت خود نشان دهد از اهمیت برخوردار است و مهم‌ترین هدف این پژوهش بررسی رابطه بین ساخت ارزشی خانواده و حرمت خود در دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم مدارس متوسطه شهر تهران است. بر اساس هدف اساسی پژوهش، فرضیه‌هایی که در پی می‌آیند طراحی شده‌اند:

۱. بین ساخت ارزشی خانواده و حرمت خود دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۲. بین ساخت ارزشی خانواده و مناطق جغرافیایی رابطه وجود دارد.
۳. بین ساخت ارزشی خانواده و ابعاد حرمت خود دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

روش

جامعه آماری: جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم رشته ریاضی فیزیک مدارس متوسطه شهر تهران و کلیه والدین این دانش‌آموزان است. اعضای این جامعه آماری بر اساس فرضیه‌های پژوهش انتخاب شده است.

نمونه و روش نمونه‌گیری: بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای که به دلیل گستردگی جامعه آماری بهترین روش برای نمونه‌گیری در این پژوهش تشخیص داده شده مناطق ۱۹ گانه شهر تهران به پنج منطقه جغرافیایی شمال، جنوب، غرب، شرق و مرکز تقسیم و از هر پنج منطقه جغرافیایی یک منطقه آموزشی انتخاب گردید که طی آن از بخش شمال منطقه یک، از بخش جنوب منطقه هجده، از بخش غرب منطقه پنج، از بخش شرق منطقه سیزده، و از بخش مرکز منطقه شش به طور تصادفی انتخاب و از هر منطقه آموزشی دو مرکز آموزشی انتخاب گردید.

چون واحد نمونه‌گیری در این پژوهش کلاس بوده جمعاً ۱۶ کلاس که شامل ۲۱۲ نفر دانش‌آموز و به همین

هدف آن بررسی رابطه بین متغیرها است. در این پژوهش برای تحلیل داده‌های به دست آمده، آن‌جا که جدول ۴ بیانگر این مطلب است که بین حرمت خود نیاز به بررسی رابطه بین متغیرها بوده از روش محاسبه ضریب همبستگی و روش تحلیل رگرسیون، و در بررسی برخی متغیرها که نیاز به بررسی تفاوت متغیرهای گروه نمونه بوده از آزمون «t» مستقل و روش تحلیل واریانس یک‌راهه و آزمون توکی استفاده شده است.

نتایج

نتایج تحلیل آماری داده‌ها در مورد فرضیه‌های مورد بررسی حاکی است:

بین ساخت ارزشی خانواده و حرمت خود دانش‌آموزان با اطمینان بیش از ۹۵ درصد رابطه معنادار وجود دارد، هرچند بر اساس داده‌های تحقیق، تمام زیرفرضیه‌ها (تأثیر ارزش‌های شش‌گانه آلپورت بر حرمت خود) تأیید نمی‌گردد. از عوامل ساخت ارزشی خانواده برخی بر حرمت خود دانش‌آموزان مؤثرند و برخی تأثیری بر حرمت خود دانش‌آموزان ندارند.

جدول (۳) نشان می‌دهد بین «حرمت خود» دانش‌آموزان با «ارزش اجتماعی خانواده» رابطه معنادار وجود دارد؛ یعنی هر چه ساخت ارزش اجتماعی والدین قوی‌تر باشد حرمت خود دانش‌آموزان ضعیف‌تر است و سایر رجحان‌های ارزشی والدین رابطه‌ای معنادار با حرمت خود فرزندان ندارد. اگر داده‌های مربوط به مادران را از پدران به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم، نتایج نشان می‌دهند که هر گاه ارزش اقتصادی مادران افزایش می‌یابد حرمت خود فرزندان نیز افزایش می‌یابد.

پرسشنامه حرمت خود دارای درجه بالایی از اعتبار و روایی است. در تحقیقی بر روی ۲۳۰ نفر از دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های شهر تهران، میانگین این آزمون ۴/۲۵ به دست آمده است [۲۴].

پرسشنامه بررسی ارزش‌ها از دو بخش تشکیل شده است؛ بخش اول شامل ۳۰ سؤال دو گزینه‌ای که آزمودنی با دادن نمره ۱ تا ۳ به هر گزینه درجه رجحان نسبی خود را به هر یک از دو فعالیت مطرح شده (در هر سؤال) مشخص می‌کند، و بخش دوم شامل ۱۵ سؤال ۴ گزینه‌ای که آزمودنی در هر سؤال، چهار گزینه را بر حسب رجحان خود به ترتیب اهمیت از امتیاز ۴ تا ۱ درجه‌بندی می‌کند و در داخل مربع «الف»، «ب»، «ج» و «د» مشخص می‌سازد.

ضریب پایایی ارزش‌های شش‌گانه در طیف مطالعه ارزش‌های آلپورت در تحقیقی که توسط امیرملکی در سال ۷۵ انجام گرفت به شرح زیر است:

جدول ۲ ضریب پایایی ارزش شش‌گانه

ارزش‌ها	ضریب پایایی
نظری (علمی)	۰/۸۴
مذهبی	۰/۸۳
زیبایی (هنری)	۰/۸۰
اقتصادی	۰/۷۶
اجتماعی	۰/۷۳
سیاسی	۰/۷۰
جمع	N=۳۸۰

ضرایب پایایی شش مقوله ارزشی با روش تنصیف بین ۰/۸۴ تا ۰/۹۵ و با روش بازآزمایی به فاصله دو ماه بین ۰/۷۷ تا ۰/۹۳ است [۲۵].

طرح پژوهش و روش‌های تحلیل داده‌ها:
پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های همبستگی است که

جدول ۳ میزان ضریب همبستگی حرمت خود دانش‌آموزان با عوامل ارزشی خانواده

نوع ارزش	ارزش نظری	ارزش اقتصادی	ارزش هنری	ارزش اجتماعی	ارزش سیاسی	ارزش مذهبی	نوع ارزش
عوامل ارزشی مربوط به	والدین	۰/۰۹۳۹	۰/۱۲۸۷	۰/۰۱۱۲	-۰/۱۷۵۴*	۰/۰۱۹۴	۰/۰۷۳۶
	مادران	۰/۱۳۷	۰/۱۷۶*	-۰/۰۱۲	-۰/۱۹۲*	۰/۰۲۲	-۰/۱۲۴
	پدران	۰/۰۱۸	۰/۰۴۶	۰/۰۳۳	-۰/۱۰۹	۰/۰۱۲	-۰/۰۱۰
نوع ارزش	حرمت خود						دانش‌آموزان

مستقیم، و رجحان ارزش اجتماعی و مذهبی آنان با حرمت خود عمومی و اجتماعی فرزندان رابطه معکوس دارد. داده‌های همین جدول نشان می‌دهد که رجحان‌های ارزشی پدران هیچ رابطه‌ای با حرمت خود فرزندان ندارد.

عمومی دانش‌آموزان با ارزش اجتماعی خانواده، رابطه معنادار وجود دارد که این همبستگی با بیش از ۹۵ درصد اطمینان معنادار است. در تفکیک داده‌های مربوط به پدران و مادران نتایج نشان می‌دهند که رجحان ارزش نظری مادران با حرمت خود تحصیلی و رجحان ارزش اقتصادی مادران با حرمت خود عمومی فرزندان رابطه

جدول ۴ میزان ضریب همبستگی ابعاد حرمت خود دانش‌آموزان با عوامل ارزشی خانواده

عوامل ارزشی	عوامل ارزشی مرتبط به	ارزش مذهبی	ارزش سیاسی	ارزش اجتماعی	ارزش هنری	ارزش اقتصادی	ارزش نظری	عوامل ارزشی حرمت خود
والدین	عمومی	-۰/۰۶۲۸	-۰/۰۱۲۶	۰/۲۰۲۳	۰/۰۱۸۷	۰/۱۲۵۷	۰/۱۲۴۷	عمومی
	اجتماعی	-۰/۱۵۱۵	۰/۱۱۵۴	۰/۰۸۴۳	۰/۱۲۰۴	۰/۱۲۰۴	-۰/۰۱۹۴	اجتماعی
	خانوادگی	۰/۰۱۹۱	۰/۰۱۸۲	-۰/۰۳۴۷	۰/۰۲۷۵	۰/۰۲۷۵	۰/۰۱۱۵	خانوادگی
	تحصیلی	-۰/۰۳۱۱	-۰/۰۳۴۳	-۰/۰۴۶۶	۰/۰۹۸۸	۰/۰۹۸۸	۰/۱۲۱۵	تحصیلی
مادران	عمومی	۰/۰۱۱۲	۰/۰۱۴	-۰/۰۲۰۳	-۰/۰۲۹	۰/۲۰۱	۰/۱۳۰	عمومی
	اجتماعی	-۰/۱۶۲*	۰/۰۱۹	۰/۱۳۰	۰/۰۸۰	۰/۱۰۰	۰/۰۳۳	اجتماعی
	خانوادگی	۰/۰۱۲	-۰/۰۲۰	-۰/۰۵۷	-۰/۰۳۷	۰/۰۶۲	۰/۰۵۸	خانوادگی
	تحصیلی	-۰/۰۸۲	-۰/۰۳۲	-۰/۱۴۷	-۰/۰۲۵	۰/۰۹۷	۰/۱۸۶	تحصیلی
پدران	عمومی	-۰/۰۰۲	۰/۰۳۴	۰/۱۴۴	۰/۰۶۳	۰/۰۱۴	۰/۰۸۳	عمومی
	اجتماعی	-۰/۱۱۴	۰/۰۸۹	-۰/۰۵۸	۰/۰۶۸	۰/۱۰۸	-۰/۰۷۲	اجتماعی
	خانوادگی	۰/۰۴۷	۰/۰۴۹	-۰/۰۲۵	-۰/۰۲۴	-۰/۰۱۶	-۰/۰۴۴	خانوادگی
	تحصیلی	۰/۰۲۶	-۰/۰۲۷	-۰/۰۲۶	-۰/۰۵۷	۰/۰۷۴	۰/۰۱۴	تحصیلی

در حالی که در مناطق دیگر شاهد رابطه معنادار نیستیم. تفاوت حرمت خود دختران و پسران در رابطه با ساخت ارزشی والدین جالب توجه است. جدول ۵ این رابطه را برجسته ساخته است. وقتی ارزش اقتصادی مادران افزایش می‌یابد حرمت خود عمومی فرزندان (دختران) نیز افزایش یابد، در حالی که این رابطه در مادرانی که ارزش اجتماعی بالایی را ترجیح می‌دهند برعکس است. حرمت خود دختران با ارزش اجتماعی و مذهبی خانواده، پدران و مادران رابطه معکوس دارد؛ بدین معنا که خانواده‌هایی که به ارزش اجتماعی و مذهبی اهمیت بیش‌تر می‌دهند دارای دخترانی با حرمت خود پایین هستند. از سویی، حرمت خود پسران بیش‌تر تحت تأثیر ارزش‌های نظری و هنری مادران است و با هیچ یک از ارزش‌های پدران رابطه‌ای ندارد.

همچنین در رابطه بین ساخت ارزشی خانواده و مناطق جغرافیایی می‌توان اظهار کرد که وقتی از مناطق جنوبی و شرقی به سمت مناطق شمالی و غربی شهر تهران می‌رویم ترجیحات ارزشی تغییر معنادار می‌کنند. رابطه حرمت خود عمومی دانش‌آموزان و ارزش اقتصادی مادران منطقه یک ۰/۴۵ است که در سطح ۹۵ درصد معنادار است. همچنین این بُعد از حرمت خود با ارزش اقتصادی مادران منطقه ۱۸ با $r=۰/۵۴$ رابطه معنادار دارد. از سوی دیگر در منطقه ۱۸ آموزش و پرورش، ارزش مذهبی مادران با حرمت خود عمومی $(r=۰/۳۷۹)$ و با حرمت خود اجتماعی همبستگی معنادار معکوس $(r=-۰/۴۲)$ دارد. در همین منطقه، ارزش مذهبی پدران نیز با حرمت خود اجتماعی فرزندان خود رابطه معکوس نشان می‌دهد $(r=-۰/۱۳۸)$

جدول ۵ رابطه بین ساخت ارزشی خانواده، پدر و مادر با ابعاد حرمت خود دختران و پسران

پسران		دختران							جنسیت حرمت خود دانش آموزان
هنری مادر	نظری مادر	مذهبی والدین	اجتماعی والدین	اقتصادی والدین	مذهبی پدر	مذهبی مادر	اجتماعی مادر	اقتصادی مادر	
-۰/۲۵۱*	۰/۲۴۲*	-۰/۲۲۱*	-۰/۲۵۴*	۰/۲۱۸	-۰/۱۷۶	-۰/۲۲۰	-۰/۲۶۷*	۰/۲۸۶*	
-۰/۰۴۰	-۰/۰۰۹	-۰/۲۷۴*	-۰/۱۹۰	۰/۱۸۹	-۰/۲۴۳*	-۰/۲۴۸*	-۰/۲۰۱	۰/۱۲۷	
-۰/۱۱۶	۰/۱۱۱	-۰/۰۱۵	۰/۱۱۶	۰/۱۰۷	-۰/۰۳۷	-۰/۰۶۲	-۰/۲۰۸	۰/۱۶۶	
-۰/۱۲۸	۰/۲۲۱*	-۰/۱۶۴	-۰/۰۳۶	۰/۱۶۵	-۰/۱۳۲	-۰/۱۶۱	-۰/۰۹۴	۰/۱۵۵	
-۰/۱۵۴	۰/۱۰۲	۰/۲۳۷*	-۰/۲۲۴*	۰/۲۳۹*	-۰/۱۸۲	-۰/۲۴۲*	-۰/۲۸۲*	۰/۲۷۷	

مناطق شمال، غرب و مرکز برای ارزش‌های هنری اهمیت بیش‌تر فائند و در مناطق شرق و جنوب، ارزش‌های هنری از درجه اهمیت پایین برخوردار هستند. منطقه مرکزی از ارزش‌های اقتصادی بالاتری نسبت به مناطق دیگر برخوردار است.

تفاوت ارزش اقتصادی خانواده در مناطق اجتماعی جغرافیایی، اقتصادی، در جدول ۶ مورد بررسی قرار گرفته است.

بر اساس بررسی داده‌ها می‌توان نتیجه گرفت که در مناطق شرق و جنوب، مردم بیش‌تر برای ارزش‌های مذهبی اهمیت قائل هستند و برعکس در مناطق مرکز، شمال و غرب چنین ارزشی از درجه اهمیت پایین‌تر برخوردار است. همچنین بین مناطق شرق و جنوب که احتمالاً از طبقه اجتماعی پایین‌تری برخوردارند و مناطق شمال، غرب و مرکز که از مناطق برخوردارتر هستند در ارزش هنری تفاوت معنادار وجود دارد؛ یعنی مردم در

جدول ۶ خلاصه واریانس یک‌راهه برای مقایسه رجحان ارزشی در مناطق پنج‌گانه

شاخص‌ها	SSB	SSW	SST	MSB	MSW	F	سطح معناداری
ارزش اقتصادی	۴۷۵/۸۷۷	۵۶۹۷/۸۰۵	۶۱۷۳/۶۸۳	۱۱۸/۹۶۹	۲۷/۵۲۶	۴/۳۲۲	۰/۰۰۲۲
ارزش هنری	۹۴۹/۳۲۶	۷۲۸۲/۹۰۵	۸۲۳۲/۲۳۱	۲۳۷/۳۳۲	۳۵/۱۸۳	۶/۸۴۶	۰/۰۰۰۱
ارزش مذهبی	۱۳۴۵/۴۲۵	۱۰۰۸۱/۸۴۴	۱۱۴۲۷/۲۶۹	۳۳۶/۳۵۶	۴۸۷/۰۵	۶/۹۰۶	۰/۰۰۰
ارزش نظری	۲۰۱/۶۹۸	۵۲۶۲/۹۹۶	۵۴۶۴/۶۹۵	۵۰/۴۲۵	۲۵/۴۲۵	۱/۹۸۲	۰/۰۹۸۳
ارزش اجتماعی	۱۶۲/۸۷۲	۴۱۲۸/۳۴۸	۴۲۹۱/۲۲۱	۴۰/۷۱۸	۱۹/۹۴۴	۲/۰۴۲	۰/۰۸۹۸
ارزش سیاسی	۳۶/۸۴۹	۴۳۷۳/۵۶۳۰	۴۴۰۰/۴۱۴	۶/۷۱۳	۲۱/۱۲۸	۰/۳۱۸	۰/۸۶۶

گروه ۵ (منطقه ۱۸ آموزش و پرورش) با میانگین ۳۷/۵۱۲ به ترتیب بیش‌ترین و کم‌ترین میانگین را به خود اختصاص دادند که میانگین گروه‌های ۳ و ۲ با میانگین گروه ۵ دارای تفاوت معنادار بود. بنابراین در مناطق شهری مربوط به گروه ۳ و ۴ ارزش اقتصادی از رجحان بیش‌تری نسبت به گروه ۵ برخوردار است.

آزمون پیگیری توکی انجام شد و گروه ۳ (منطقه ۶ آموزش و پرورش) با میانگین ۴۲/۱۷۲، گروه ۲ (منطقه ۵ آموزش و پرورش) با میانگین ۴۰/۷۳۵، گروه ۱ (منطقه ۱ آموزش و پرورش) با میانگین ۴۰/۶۳۱، گروه ۴ (منطقه ۳ آموزش و پرورش) با میانگین ۳۹/۲۳۴ و

گروه ۶ نشان می‌دهد که ارزش‌های اقتصادی، هنری و مذهبی در مناطق مختلف شهر تهران در گروه نمونه مورد بررسی دارای تفاوت معنادار هستند، در حالی که سایر ارزش‌ها در سطح شهر از توزیع یکسان برخوردارند.

برای تعیین ارزش اقتصادی در مناطق مختلف، آزمون پیگیری توکی انجام شد و گروه ۳ (منطقه ۶ آموزش و پرورش) با میانگین ۴۲/۱۷۲، گروه ۲ (منطقه ۵ آموزش و پرورش) با میانگین ۴۰/۷۳۵، گروه ۱ (منطقه ۱ آموزش و پرورش) با میانگین ۴۰/۶۳۱، گروه ۴ (منطقه ۳ آموزش و پرورش) با میانگین ۳۹/۲۳۴ و

بحث و نتیجه‌گیری

این نکته که شخصیت کودکان و نوجوانان متأثر از الگوی تربیتی و ارزشی والدین است موضوع پژوهش‌های زیادی بوده و تحقیقات زیادی از آن حمایت می‌کند، هر چند تأثیر والدین در مقاطع مختلف سنی به نظر متفاوت می‌آید. پیش‌تر به نتایج برخی از تحقیقات اشاره شد و مشخص گردید که مقوله حرمت خود، متأثر از الگوی والدینی است [۶، ۱۴ و ۱۸] و انتقال این الگوها ظاهراً در دختر و پسر یکسان نیست [۱۵]. برخی تحقیقات نیز نشان دادند که بین ارزش‌های والدین و نوجوانان تفاوت معنادار وجود دارد [۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۲]، هرچند که در برخی از حوزه‌های ارزشی، مانند ارزش‌های هنری، رابطه مستقیمی بین ارزش‌های والدین و نوجوانان دیده شده است [۲۰].

همچنین یافته‌های پیشین نشان می‌دهند که بین برخی ارزش‌های والدین و سلامت روانی جوانان رابطه معنادار وجود دارد. به طور مثال، وقتی ارزش‌های مذهبی برتری می‌یابند بر سلامت روانی جوانان افزوده می‌شود و برعکس هر چه ارزش‌های هنری برتری می‌یابد سلامت روانی کاهش می‌یابد [۲۳].

به رغم نتایج ضد و نقیض پژوهش‌ها، تحقیق حاضر در پی بررسی این فرض بوده که بین رحجان ارزشی والدین و حرمت خود فرزندان رابطه وجود دارد. هرچند یافته‌های پژوهش حاضر این فرضیه اصلی را مورد تأیید قرار می‌دهد، ولی سطوح متفاوت ارزش‌ها نتایج متفاوتی را در رابطه با حرمت خود دانش‌آموزان نشان می‌دهد.

برجسته‌ترین یافته پژوهشی نشان می‌دهد که هرچه رحجان ارزشی در حوزه ارزش‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، حرمت خود دانش‌آموزان کم می‌شود. این همبستگی معنادار معکوس در بررسی دقیق‌تر که یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهند بیشتر مربوط به مادران است تا پدران. به نظر می‌رسد مادری که دارای رحجان‌های ارزشی اجتماعی هستند به دلیل حمایت‌های خود باعث کاهش حرمت خود در دانش‌آموزان

۵ آموزش و پرورش، ترجیح ارزش هنری در سطح بالاتری از مناطق ۱۳ و ۱۸ آموزش و پرورش دارند. آزمون پیگیری توکی برای ارزش‌های مذهبی نیز تفاوت میانگین‌ها را در گروه‌های ۴ و ۵ (۴۰/۱۶ و ۳۹/۱۹۵) با میانگین ترجیح ارزش مذهبی در سه گروه ۲ و ۱ و ۳ به ترتیب (۳۵/۶۲، ۳۴/۸۷ و ۳۳/۲۷) معنادار نشان می‌دهد؛ یعنی در مناطق برخوردارتر، ارزش‌های هنری پررنگ‌تر و ارزش‌های مذهبی کم‌رنگ‌تر و برعکس آن درباره ارزش‌های مذهبی در نظر گرفته می‌شود.

جدول ۷ تحلیل رگرسیون (متغیر وابسته حرمت خود)

متغیر واریانس	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F
رگرسیون	۱	۳۴۹/۹۶۰۵۲	۳۴۹/۹۶۰۵۲	۶/۶۶
باقی‌مانده	۲۱۰	۱۱۰۲۷/۵۱۱۱۸	۵۲/۵۱۱۹۶	-

$P < 0/01$

جدول ۸ متغیرهای معادله رگرسیون (متغیر وابسته حرمت خود)

متغیر	ضریب بتا	شاخص T	سطح معناداری T
ارزش اجتماعی	۰/۱۷۵۳۸	-۲/۵۸۲	۰/۱۰۵

در تحلیل رگرسیون برای تعیین اهمیت تأثیرگذاری احتمالی رحجان‌های ارزشی بر حرمت خود، تنها متغیر ارزش اجتماعی نقش تعیین‌کننده داشته و بقیه متغیرها در معادله دارای تأثیر معنادار نبوده‌اند (جدول ۷ و ۸).

نتایج تحلیل رگرسیون بیانگر این مطلب است که اگر تغییرپذیری حرمت خود دانش‌آموزان با عوامل ساخت ارزشی خانواده مورد بررسی قرار گیرد، متغیری که بیش‌ترین ارتباط را با حرمت خود دانش‌آموزان نشان می‌دهد، برخورداری از ارزش اجتماعی است. از مجموع متغیرها، فقط متغیر ارزش اجتماعی خانواده با ضریب اطمینان بیش از ۹۵ درصد ($P < 0/01$) رابطه معناداری با حرمت خود نشان می‌دهد و در معادله رگرسیون نقش مهم‌تری از خود نشان داده، اما سایر متغیرها، نقش زیادی در تعیین حرمت خود دانش‌آموزان نداشته‌اند.

می‌شوند، این یافته با پژوهش‌های آدلر [۲۶] هماهنگ است که حمایت‌های افراطی والدین، حرمت خود کودکان را کاهش می‌دهد. به طور کلی بر اساس یافته‌های پژوهشی حاضر، اکثر حوزه‌های ارزشی با حرمت خود دانش‌آموزان رابطه ندارند. این یافته با سایر پژوهش‌های انجام‌شده - که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد - در زمینه ارزش‌های والدینی و فرزندان در راستای فرضیه اول، هرچه رجحان ارزش‌های اجتماعی خانواده بالا می‌رود حرمت خود دانش‌آموزان پایین می‌آید و بین رجحان‌های ارزشی دیگر و حرمت خود دانش‌آموزان رابطه معنادار به دست نیامده است. این نکته احتمالاً حکایت از آن دارد که بین رجحان‌های ارزشی والدین و ارزش‌های ترجیحی نوجوانان رابطه چندانی وجود ندارد. همان‌گونه که در پژوهش‌های پیشین [۱۹] ملاحظه شد، همبستگی ضعیف و جزئی بین ساختار ارزشی نوجوانان و والدینشان وجود دارد. کسانی که رجحان ارزشی اجتماعی دارند، مهربان، صمیمی و اهل گذشت هستند. این والدین احتمالاً از دسته والدین سهل‌گیر به حساب می‌آیند و ممکن است توجه بیش از حد آن‌ها به فرزندان باعث شود در آن‌ها حقارت شکل بگیرد؛ همان‌گونه که آدلر [۲۷] پس از منبع بدنی عقده حقارت، توجه افراطی و اغماض (neglect) یا نادیده گرفتن فرزندان را سبب شکل‌گیری عقده حقارت در آن‌ها می‌داند. بنابراین به دو دلیل، احتمالاً رابطه بین این رجحان ارزشی والدین و حرمت خود کودکان رابطه معکوس وجود دارد؛ یکی این که والدین اجتماعی به افراد خارج از حیطه خانواده توجه بیشتری می‌کنند و دیگری سهل‌گیری آن‌ها در برابر رفتارهای کودکان و توجه افراطی آن‌ها است.

کم‌رنگ شدن نقش پدران در تأثیرگذاری بر فرزندان را می‌توان یکی از نتایج جنبی این پژوهش تلقی کرد، در حالی که بر اساس نظریه‌های روان‌تحلیل‌گری [۲۷]، پدران در شکل‌گیری حرمت خود و اعتماد به نفس کودکان نقش برجسته‌ای دارند. پدران به لحاظ

روان‌شناختی منبع قدرت فرزندان هستند که ظاهراً در جامعه کنونی ما این منبع از توانایی و کنش لازم برخوردار نیست. هرگاه حرمت خود را در ابعاد جزئی‌تر آن مورد توجه قرار دهیم سطوح دیگری از فرضیه پژوهشی مورد تأیید قرار می‌گیرد. به طور مثال، حرمت خود تحصیلی و عمومی به ترتیب با رجحان ارزشی نظری مادران و رجحان اقتصادی آن‌ها رابطه مستقیم دارد و بین حرمت خود عمومی و حرمت خود اجتماعی فرزندان با رجحان ارزشی اجتماعی و مذهبی مادران رابطه معکوس معنادار وجود دارد.

به نظر می‌رسد مادرانی که تلاش می‌کنند با منطق و خردمندی مسائل خود را حل کنند، باعث افزایش حرمت خود تحصیلی فرزندانشان می‌شوند و مادرانی که دارای رجحان‌های ارزشی مذهبی هستند فرزندان دارند که حرمت خود اجتماعی آن‌ها ضعیف است. امکان دارد چنین یافته‌ای ناشی از سخت‌گیری مادران مذهبی و یا توجه آن‌ها به حقایق درونی به جای توجه به مسائل اجتماعی باشد.

قسمت دیگری از یافته‌های تحقیق نیز بیانگر رابطه معکوس ارزش مذهبی پدران و حرمت خود اجتماعی فرزندان (در منطقه ۱۸) است.

این فرض که دختران و پسران تأثیر متفاوتی از والدین می‌پذیرند نیز در این پژوهش تأیید می‌گردد. دختران مادرانی که دارای رجحان ارزشی نظری هستند از حرمت خود بالاتری برخوردارند. رابطه بین این دو رجحان ارزشی با حرمت خود عمومی فرزندان، معنادار و مستقیم است.

از طرفی دختران مادرانی که دارای ترجیح ارزشی اجتماعی و مذهبی هستند از حرمت خود پایین‌تر برخوردارند، چرا که همبستگی این دو متغیر منفی و معنادار است، در حالی که پسران از چنین تأثیری برخوردار نیستند. پسران بیش‌تر تحت تأثیر ارزش نظری و هنری هستند. پسران مادرانی که دارای رجحان ارزشی

تفاوت رجحان‌های ارزشی بر حسب مناطق جغرافیایی نیز با تحقیقات دیگر در این راستا از جمله [۱۸ و ۱۹] همخوانی دارد. هرچند در تحقیق اخیر روشن شده که پسران بیش‌تر از دختران تحت تأثیر طبقه اجتماعی هستند.

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در مناطق شرق و جنوب تهران، ترجیح ارزشی به سمت ارزش‌های مذهبی گرایش دارد و در مناطق غرب و شمال، ارزش‌های هنری بیش‌تر غلبه دارد، در حالی که در ناحیه مرکزی تهران، ترجیح ارزشی بیش‌تر حالت اقتصادی به خود می‌گیرد. بر اساس پژوهش‌های قبلی (محفوظی و جان‌بزرگی) این سؤال مطرح می‌گردد که آیا ترجیح ارزشی هنری، سلامت روانی را کاهش می‌دهد؟ ملاحظه جدول ۷ این نتیجه را به ذهن متبادر می‌کند که تنها ارزش‌های اقتصادی خانواده بر حرمت خود نوجوانان تأثیر می‌گذارد و بقیه رجحان‌های ارزشی، تأثیر چندانی بر حرمت خود ندارند. ارزش‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی، تأثیر منفی بر حرمت خود در نوجوانان دارد. رابطه بین منطقه جغرافیایی و ترجیح ارزش‌های هنری (جدول ۸ و ۷) بیانگر این نکته است که ترجیح هنری پس از پیشرفت‌های اقتصادی اولویت می‌یابد. این یافته با بررسی‌های مزلو، روان‌شناس معروف هماهنگ است [۲۶].

به طور کلی به نظر می‌رسد پیچیدگی نظام ارزشی از یک سو و حرمت خود به عنوان یک متغیر اساسی از طرف دیگر، لزوم بررسی دقیق‌تر و گسترده‌تر را می‌طلبد. نتایج در تمام سطوح متغیرها و فرضیه‌های ارائه‌شده از همسانی برخوردار نیست، ولی هماهنگی برخی یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین بیانگر اهمیت یافته‌های پژوهشی حاضر است.

پژوهش حاضر به دلیل استفاده از ابزارهای متفاوت دارای محدودیت است. از طرفی، نمونه پژوهش حاضر محدود به جمعیت دانش‌آموزان تهران است و تعمیم

هنری هستند از حرمت خود عمومی پایین برخوردارند، چرا که همبستگی بین دو متغیر معکوس است.

تبیین تأثیر معکوس ارزش‌های هنری و مذهبی بر حرمت خود فرزندان، مستلزم پژوهش‌های دقیق‌تر است؛ ولی اگر به نتایج برخی پژوهش‌های پیشین توجه کنیم [۲۳] ارزش‌های هنری با سلامت عمومی روانی رابطه معکوس داشته‌اند. اگر چنین فرضی را بپذیریم ارزش‌های هنری، وحدت‌یافتگی را کاهش می‌دهند و طبیعی است که حرمت خود نیز که هسته اصلی سلامت روانی است کاهش می‌یابد. ارزش‌های مذهبی دارای کنش وحدت‌دهندگی هستند و احتمالاً مستلزم بررسی دقیق‌تر نحوه کنش مذهبی بر حرمت خود فرزندان توسط ابزارهای دقیق‌تر هستیم.

تفسیر دیگری که از داده‌های پژوهش حاضر می‌توان ارائه کرد این است که بین نظام ارزشی والدین و نوجوانان جامعه ما گسیختگی وجود دارد و بنابراین سه نظام ارزشی اجتماعی، سیاسی و مذهبی با حرمت خود نوجوانان رابطه معکوس نشان می‌دهند. این یافته، حکایت از تأثیر معکوس این مؤلفه‌ها بر حرمت خود نسل‌های آینده دارد. برعکس، ارزش‌های اقتصادی و نظری و از همه قوی‌تر اقتصادی بر حرمت خود نوجوانان تأثیر مثبت می‌گذارد. این وضعیت، احتمالاً خاص جوامعی است که دارای بحران اقتصادی هستند. در چنین شرایطی، ارزش‌های اقتصادی می‌تواند به احساس ارزشمندی افراد کمک کنند. ترجیحات نظری نیز با توجه به علایق جوانان به ادامه تحصیل قابل تعبیر است. از طرفی، وضعیت اقتصادی مطلوب امکان بهره‌گیری از فعالیت‌های مختلف را برای افراد فراهم می‌کند.

یک نکته دیگر در تفسیر این یافته این است که نوجوان در وضعیت در حال گذار از نظردهی به سر می‌برند و احتمال این‌که در سنین بالاتر، رجحان ارزشی آن‌ها با والدین همخوانی بیش‌تر پیدا کند وجود دارد.

نتایج در جمعیت‌های وسیع‌تر باید با احتیاط صورت گیرد.

پیشنهاد پژوهش با ابزارهای دقیق‌تر، بررسی نقش پدران در حرمت خود نوجوانان و همچنین انجام پژوهش در سطوح سنی می‌تواند به نتایج پژوهش حاضر غنا بخشیده، زمینه تولید اطلاعات وسیع‌تر و دقیق‌تر را فراهم کند.

منابع

15. Hutt, M. L. & Miller, D. R. (1949) Value interiorization and democratic education; Journal social issues.
16. Beutel, A. M. & Marini, M. M. (1995) American Sociological Review.
17. Nelson, R. & etal. (1993) Life skills Helping; Brooks/ Cole publishing company.
۱۸. استافورد، لورا و چری بریه، (۱۳۷۷)، «تعامل والدین و کودکان»، (محمد دهگانپور و مهرداد خرازچی)، (مترجم)، انتشارات رشد، تهران.
۱۹. گیلک، عبدالامیر (۱۳۷۱) «بررسی سلسله مراتب ارزش‌های نوجوانان پسر و والدین آن‌ها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
۲۰. ملکی، امیر (۱۳۷۵) «بررسی رابطه پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده با گرایش‌های ارزشی نوجوانان» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۱. تیموری، کاوه (۱۳۷۷) «بررسی و مقایسه نظام ارزش‌های پسران و پدران و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم طباطبایی.
۲۲. شیرافکن، سلطانعلی (۱۳۷۶) «مقایسه اولویت‌های ارزشی نوجوانان با والدین»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۳. محفوظی، محمدصادق، و جان‌بزرگی، مسعود، (۱۳۷۷): «ارزش‌ها و سلامت روان»، مؤسسه پژوهشی ابن‌سینا تهران.
۲۴. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۰) «بررسی رابطه بین مفاهیم منبع کنترل، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان سال سوم در دبیرستان‌های شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علاوه طباطبایی.
۲۵. آناستازی، آن، (۱۳۷۱)، «روان آزمایی» ترجمه محمدتقی براهنی، تهران - انتشارات دانشگاه.
26. Liebert, R.M. & Liebert. L. L. (1998) Personality, Strategies and Issues, Brook/ cole publishing company.
27. Frager, R. & Fadiman. J; (1998) Personality and personal Growth; (4th Edi); Long man.
۲۸. شمسیان، داود، (۱۳۷۱) سلسله مراتب ارزش‌های نوجوانان پسر و دختر شهرستان تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش
1. Wolman, B. B. (1981) Contemporary theories & systems in psychology; Plenum press.
2. Alport, G. W. & Vernon, P. & Lindzey, G. (1960) Study of Values; A Scale for Measuring the dominant interests in personality. Third Edition Manual, Middin Company Boston.
3. Manstad, S. R. & Hewstone, M. (1995) The black well encyclopedia of social psychology; Massachusetts; Black well press.
4. Wright, L. Evereet, F. & Roismon, L. (1986) Experiential psychotherapy with children. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
۵. جلالی تهرانی، سیدمحمدمحسن، الهیاری، عباس‌علی (۱۳۷۴) «نقش مذهب در سلامت روان» (گزارش سمینار)؛ تهران، ششمین مجمع علمی جایگاه تربیت.
6. Cooper Smith, S. (1967) Self-Steem invent to only; by W. H. freeman and Co. Published in 1981, Con sulting psycholog is it press. Inc.
7. Westen, D. (2002) Psychology: brain, behaviour & Culture; John Wily & Sons, inc.
8. Corsini, R. J. (1999) The dictionary of Psychobogy; Brunner/Mazel.
9. Smith, S. M. & Petty, R. E. (1995) Personality and moderators of mood congruency effects on cognition: the role of self esteem and negative mood regulation; Journal of personality and social psychology 68 (6) 1092-1107.
10. Axlne, V. (1974) Play therapy. Newyork: Ballantine.
11. Harter, S. Simon, V. & Johnson, E. James Vs. (1993) coley: Individual differences in the sources of young adolescents self-esleem. Poster presented at biennial meetings of the society for Research in child development, new-Orleans, L. A.
12. Lindgren, H. G. (1982) An Introduction to social psychology: (2 nd Ed); wiley Eastern limited. Pub.
13. Admas, G. R, Gullotta, T. P., R. G., Adams, G. M. (1995) Adolesent life Experience; (3rd, Edi); Brooks/Cole.
۱۴. خادمیان، ملیحه السادات (۱۳۷۲) «بررسی رابطه نگرش‌های تربیتی والدینی با عزت نفس دانش‌آموزان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

